نگاه

شایسته‌های تمام‌عیار

کنی دالگلیش*

آن‌طور به نظر می‌رسید که این جام جهانی، تورنمنتی باشد برای درخشش رونالدینیو و وین رونی. اما در نهایت حیرت این زین‌الدین زیدان بود که در ۳۴ سالگی تمام نگاه‌ها را به خود معطوف ساخت. امشب فرانسه احیا شده، به مصاف ایتالیا می‌رود تا زیدان این جادوگر فوتبال شاید بتواند با چنگ زدن به یک جام جهانی دیگر تا ابد خود را در تاریخ فوتبال جاودانه سازد. بله زیدان جدا از این تورنمنت در طول سال‌های اخیر آنقدر افتخار و اعتبار برای خویش کسب کرده که بدون در نظر گرفتن نتیجه این مسابقه، فوتبال و افتخار فوتبال را در سیطره خود بنامد. از سال ۱۹۹۸ که فرانسه به مدد او به نخستین مدال قهرمانی‌اش در اروپا چنگ آویخت تا ۲۰۰۲ که در اوج ناامیدی از جام جهانی خارج شد، زیدان مرد برتر فوتبال دنیا بود. او دقیقاً از زمانی که از فوتبال ملی خداحافظی کرد، اعتبارش را به مخاطره افکند. اما امروز، بار دیگر با ارائه چنین نمایش‌هایی همه او را بهترین فوتبالیست دنیا می‌خوانند هر چند که نباید از یاد ببریم که او دو فصل معمولی و متوسط را در رئال‌مادرید سپری کرد. و این بهانه‌ای بود برای حیرت و شگفتی در زمان بازگشت دوباره‌اش به جاده درخشش و فروغ.

اما معتقدم اگر او بتواند در رهنمون ساختن کشورش به دومین جام جهانی در طول سه دوره کامیاب شود، آنگاه با اطمینان کامل می‌توان نامش را هم‌ردیف با اساطیری چون مارادونا و پله جای داد. و این شب را می‌توان آخرین نمایش زیزو خواند؛ نمایشی که با وداعش با فوتبال توام می‌شود.

فرانسه در آغاز جام، به هر تیمی شباهت داشت جز مجموعه‌ای که از آن انتظار قهرمانی برود. این تیم حتی تا روز آخر مرحله گروهی نیز از صعودش به دور حذفی اطمینان نداشت. پس از پیروزی در برابر توگو بازگشت زیدان غیرقابل تصور بود. در برابر برزیل، او چنان بامهارت تیمش را به سوی پیروزی هدایت کرد که رونالدینیو و توانایی‌هایش با حضور او زیر سایه قرار گرفت. در بازی برابر پرتغال، فرانسه، به جادویی که به مدد آن شنبه گذشته برزیل را از پای درآورد احتیاجی نداشت. یک پیروزی ساده و عدم توانایی مجموعه اسکولاری در متوقف ساختن فرانسه کافی بود تا یاران زیدان در آستانه دومین قهرمانی جام جهانی قرار بگیرند. بازیکنان انگلستان به گونه‌ای پنالتی‌هایشان را هدر می‌دادند که گویی، باز کردن و تسلیم ساختن ریکاردو آرزویی است محال اما زیدان با تجربه، با خونسردی و آرامشی آشنا به سادگی تک گل پیروزی‌بخش کشورش را به ثمر رساند. بسیاری از نگاه‌ها و دیدگاه‌ها در قبال این دو تیم فینالیست چندان مثبت و امیدوارکننده نیست. برخی معتقدند این دو تیم‌هایی هستند که فوتبال را بی‌روح و کسل‌کننده بازی می‌کنند و مایه تاسف و ناراحتی است که چرا فینال این جام به یکی از دو تیم آرژانتین و برزیل مجالی نداد. اما از نگاه شخصی، من گمان می‌کنم ایتالیا و فرانسه سزاوارترین تیم‌ها برای حضور در برلین هستند. موفقیت فرانسه در مقابل برزیل، ناتوانی و بی‌نقص نبودن برزیلی‌ها را به اثبات رساند. کشوری که به رغم داشتن دو مهاجم بزرگ اما در برابر آبی‌ها نتوانست بازی را به تساوی بکشاند. آلمان و آرژانتین نیز هر دو حذف شدند. اما نمایش ایتالیا در برابر آلمان فوق‌العاده بود و بسیار سزاوار تمجید. از اینکه ایتالیا موفق شد به جای پیروزی در ضربات پنالتی در وقت‌های اضافه کار را به نفع خود تمام کند، خرسندم. گرچه معتقدم ضربات پنالتی به قدرتی زایدالوصف از سوی دروازه‌بانان و هنر زننده‌های ضربات پنالتی بازمی‌گردد اما پیروزی در زمان عادی مسابقه بسیار قابل توجه‌تر و شیرین‌تر از ضربات پنالتی است. یکشنبه شب با پیروزی و قهرمانی فرانسه، زیدان می‌تواند به زیباترین شکل ممکن با فوتبال وداع گوید. اما من شانس موفقیت در بازی امشب را به ایتالیا می‌دهم چرا که اگر به پاس‌های ردوبدل شده آنها و نیز برنامه‌های تدافعی حساب شده‌شان دقت کنید، به قدرت و توانایی آنها ایمان خواهید آورد. فوتبال ایتالیا در بحران غریبی به سر می‌برد و بسیاری از ستاره‌های این کشور اکنون ذهنشان به سبب رخدادهای موجود دچار تشویش و نگرانی شده است. با وجود چنین شرایطی تلاش آنان برای حفظ تمرکز در زمین مسابقه برای پیروزی و اثبات توانایی‌های فوتبال این کشور قابل تقدیر است. اما با سرباز کردن چنین رسوایی‌ای، نگاه من نسبت به مسائل پشت پرده این کشور کمی منفی شده است. فیفا هفته پیش فدراسیون فوتبال یونان را به خاطر دخالت‌های همیشگی کارگزاران این کشور محروم کرد. اما شیوه تحقیق و بازپرسی فسادهای موجود در ایتالیا بسیار جدی و قابل تامل است. به نظر من فیفا باید در این برهه وارد عمل شود تا اطمینان حاصل کند که چنین زدوبندهای بی‌شرمانه‌ای به حضور ایتالیا تا این مرحله یاری نکرده است. آنچه که در این تورنمنت موفقیت ایتالیا را در میدان مسابقه تضمین کرده، روحیه‌ای است که بازیکنان این کشور از خود به نمایش می‌گذارند. به پیروزی آنها در برابر ژرمن‌ها بنگرید. هیچ نمونه‌ای از بازی ناجوانمردانه و فریبکارانه که پرتغالی‌ها در طول این پیکارها ارائه دادند از سوی آنها دیده نشد. نمی‌خواهم بگویم آنهایی که در این جام با حیله‌گری و ترفندهای خاص و زیرکانه قصد کسب امتیاز از حریفشان را داشتند، فوتبالیست‌های خوشایند من هستند. نه، اتفاقاً حضور فرانسه و ایتالیا اثبات کرد که برای موفقیت تنها باید صادق بود و با مردانگی رقیب را کنار زد. این دو کشور در طول این تورنمنت هیچ‌گاه خود را در قامت یک مجموعه حیله‌گر نشان ندادند. امیدوارم چنین اعمال بی‌شرمانه‌ای در روح و کالبد فوتبال نفوذ نکند و بر فوتبالیست‌های صادق و بزرگ‌منش است که هم‌تیمی‌های سر به هوای خود را از عواقب چنین کارهایی مطلع سازند.

*ستون‌نویس دیلی تلگراف

کاتاناچیو را فراموش کنید

این ایتالیا است که می‌تازد

بهتر است کلیشه‌های «سابق» را دور بریزیم و امروز را ببینیم. امروزی را که ایتالیا نه مجری «کاتاناچیو»ی منفی و دفاعی بلکه یک بازی مدرن و «به روز» است و همان قدر به حمله بها می‌دهد که به دفاع. انگلیسی‌ها هنوز مجری فوتبال «بزن و بکوب» و کشیدن به زیر توپ و دویدن به دنبال آن و یک بازی سرراست و فاقد ابتکارند. اما ایتالیایی‌ها چنان که پیشتر آمد، به طور اساسی تغییر رویه داده‌اند. هر کس که فکر می‌کرد ایتالیا در بازی اواسط هفته پیش خود با آلمان در مرحله نیمه‌نهایی ۱۰ «تکل‌زن» بی‌رحم و ۱۰ مدافع تمام‌وقت را در وسط میدان برای حمایت از یک «ابردروازه‌بان» خود (جان لوئیجی بوفون) به خدمت می‌گیرد، بر اثر آنچه واقعاً در شهر دورتموند به چشم دید، حیرت شده شد. درست است که ایتالیا در این دیدار جانانه دفاع کرد، اما هر موقع که فرصت به دست آورد، حملاتی با حساب و کتاب و دقیق و موثر را نیز به روی دروازه حریف پیاده کرد و حتی در بخش‌هایی قابل توجه از مسابقه آلمان را به یک مدافع صرف بدل کرد و خودش از هر سو می‌تاخت. در وقت اضافی هم این «ایتالیای میهمان» بود که حمله‌وران و مهاجمان بیشتری را در قیاس با آلمان میزبان در خدمت داشت و سه مهاجم به اضافه دو هافبک تهاجمی را به جان تیم یورگن کلینزمن انداخته بود و هدفش این بود که از کشیده شدن کار به پنالتی‌ها و تقابل با کابوس ینس لمن در این ضربات پرهیز کند و هر چند بسیار دیر اما سرانجام به هدفش رسید. وقتی مارچلو لیپی در اواخر وقت یک هافبک توپ نگه‌دار را بیرون کشید و یک فانتزی‌باز را جانشین او کرد، دیه‌گو مارادونا نتوانست جلوی حیرتش را بگیرد. کاپیتان تیم فاتح جام جهانی ۱۹۸۶ و ستاره اسبق فوتبال آرژانتین رو به دوربین یک شبکه تلویزیونی اسپانیا کرد و گفت: «باورنکردنی است، باورنکردنی است.» رسانه‌های اسپانیایی نیز بازی ایتالیا را در آن روز یک نمایش دوست داشتنی توصیف کرده‌اند. کافی است این را در نظر بگیرید که کشوری این حرف را زده که از دیرباز منتقد اصلی و همیشگی فوتبال ایتالیا بوده و آن را قبول نداشته و پیوسته روی آن عیب گذاشته است. با این حال نباید تصور کرد که این یک تحول یک‌شبه و یک چیز خلق‌الساعه و بدون مقدمه بوده و برعکس چند سالی است که به آرامی در حال شکل‌گیری و تدوین و تکوین بوده است. کافی است به این نکته «دور از نظر مانده» توجه کنید که طی ۳ سال گذشته تعداد گل‌های به ثمر رسیده در هر مسابقه در «سری A» بیشتر از گل‌های ثبت شده در هر دیدار لیگ برتر انگلیس و یا لالیگا بوده است. شما را به فینال جام قهرمانان باشگاه‌های اروپا ۲۰۰۵ ارجاع می‌دهیم؛ چه چیزی باعث شد میلان بازی ۰-۳ برده را ۳-۳ و در نهایت با ضربات پنالتی به لیورپول انگلیس واگذار کند؟ بدیهی است که عدم قوام و استحکام دفاعی با میلان چنین کرد، وگرنه خط حمله آن تیم کارش را در حد کمال انجام داده بود.

■ مربیان قبلی محتاط بودند

تفاوتی که اخیراً پدید آمده، این است که بالاخره تجلی تغییرات فوق به تیم ملی ایتالیا نیز بسط یافته است و دیگر به تیم‌های باشگاهی این کشور منحصر و محدود نمی‌شود. آن کس که این تفاوت را به وجود آورده، مارچلو لیپی است وگرنه تیم‌هایی که دینو زوف، جووانی تراپاتونی و پیش از آنها چزاره مالدینی در اختیار داشتند نیز بالقوه تیم‌های خوب و پرمهره‌ای بودند اما هنر استفاده از آن را نداشتند و بهتر بگوییم چون سنتی بودند و ایده‌آل‌های دیگری داشتند، به دنبال چیزی نرفتند که لیپی با نسل فعلی آن را جست‌وجو می‌کرده است و تازه، تعداد زیادی از نفرات فعلی لشکر لیپی، دقیقاً همان‌هایی هستند که از ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ در اختیار تراپ و از ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ زیرنظر زوف بودند. مربیان فوق، صاحب تداوم نیز در کار خود نبودند. اگر نیمه اول بازی ایتالیا با سوئد در یورو ۲۰۰۴ را به یاد بیاورید، لابد متوجه خواهید شد که نمایش ایتالیا طی آن مقطع حتی از بازی اواسط هفته پیش تیم سرزمین چکمه‌ای در برابر آلمان در نیمه‌نهایی جام جهانی ۲۰۰۶ هم بهتر بود اما به محض این که ایتالیا ۰-۱ جلو افتاد تراپ به شاگردانش دستورداد که عقب بنشینند و حفظ توپ کنند و سوئد با استفاده از همان دستورالعمل گل مساوی‌اش را زد و یاران نستا و کاناوارو براساس همان نتیجه در مرحله نخست حذف شدند و از گروه خود بالا نرفتند. لیپی چنین اشتباهاتی را در کار خود ندارد و توفیق‌های او در یوونتوس در دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه جاری براساس شهامت و «بازی رو به جلو در مواقع مقتضی» به دست آمد و اگر چشم بینا و عقل بیداری داشتیم، باید قبل از شروع دور پایانی جام جهانی امسال نیز متوجه آن می‌شدیم. زمانی را می‌گوییم که ایتالیایی‌ها در دیدارهای تدارکاتی ۱-۴ بر آلمان و ۱-۳ بر هلند چیره شدند و در مقاطعی از آن مسابقات به نظر رسید که نتیجه برایشان مهم نیست وگرنه بیشتر از آن هم می‌زدند.

■ بازی با سه مهاجم

در هر دو بازی مذکور ایتالیا به جای دو مهاجم سنتی سه فوروارد را به خدمت گرفته بود و با این وجود آنچه در دیدار با آلمان طی هفته گذشته روی داد از تمام اینها فراتر می‌رفت. لیپی پس از اتمام آن دیدار گفت: «این بازی و نتیجه آن مایه بزرگترین سرور در زندگی من است زیرا تا واپسین ثانیه‌ها هم مشخص نبود که چه خواهد شد.»

با این همه اگر هم دیدید که آتزوری‌ها برای مسابقه پایانی سیاستی متفاوت با آنچه گفتیم در پیش گرفته‌اند، تعجب نکنید. هر چه باشد، فقط نتیجه است که اهمیت دارد و به یادگار می‌ماند و لیپی در گذشته و منجمله در همین جام نیز به سیستم استفاده از یک مهاجم روی آورده و با آن خوش نیز بوده است. حتی در میان شاگردان فعلی لیپی نیز کم نمی‌یابید کسانی را که معتقدند باید به روش‌های قدیمی و بهتر بگوییم به ایتالیایی بودن روی آورد. یکی از آنها «کاپیتان کاناوارو» است که پس از تساوی ۱-۱ با آمریکا (در مرحله گروهی) گفت: «فکر می‌کنم وقتش رسیده است که روشی دفاعی‌تر و محتاط‌تر را در پیش بگیریم و مثل خودمان بشویم.» با این حال قرعه ایتالیا به حدی خوب بود که توانست با پیروزی بر استرالیا و اوکراین در مراحل یک‌هشتم و یک چهارم نهایی هم کارش را از نو بسنجد و هم روحیه بگیرد و بفهمد که کجا ایستاده است و «نیمه تهاجمی» باقی بماند. حسن بزرگ و اصلی نمایش شهر دورتموند این است که ایتالیایی‌ها به طور تمام و کمال به قابلیت‌های خود ایمان آورده‌اند و نیک می‌دانند که مهارت‌های بالقوه‌شان به چه حدی می‌رسد و حالا که می‌دانند وقتی با تمام مهارت‌هایشان می‌تازند، هیچ حریفی نمی‌تواند مقابل‌شان بایستد، از این موقعیت نخواهند گذشت و اگر هم بخواهند چنین کنند، لیپی مربی‌ای نیست که از چنین فرصتی بگذرد. و اگر بخواهیم حرف آخر را بزنیم و به صراحت نیز بزنیم، ایتالیا بهترین تیم این تورنمنت است و برخی مهره‌های آن مثل کاناوارو، زامبروتا و جیجی بوفون فوق‌العاده ظاهر شده‌اند. اگر این تیم امشب فارغ از احتیاط‌های سنتی فوتبال ایتالیا و مراقبت‌های ویژه یک فینال بزرگ در لحظات مورد نیاز به دروازه فرانسه بتازد، آن گاه صحنه‌هایی تماشایی را خواهیم دید و قهرمانی این تیم بسیار محتمل خواهد بود و اگر هم چنین نکند، دل به این خوش خواهیم داشت که این توان بالقوه را دارد. چیزی که پیشتر متبلور و متجلی نشده بود و اطمینانی در مورد آن وجود نداشت.

■ باید خوش‌اقبال باشید، وگرنه...

این که فرانسه در برابر چنین سیستم شکوفاشده‌ای چه خواهد کرد، سئوالی است که باید صبر کرد و دید. فوتبال معدن رازها است و خروس‌ها نیز چنان اوج گرفته‌اند که در روز خوب‌شان قادر به غلبه بر این «ایتالیا»ی ولو درخشان هستند. اما همین که فرانسوی‌ها هم می‌دانند این بهترین و خطرناک‌ترین «ایتالیا»ی سال‌های اخیر است و برای شکست دادنش باید بسیار خوش‌اقبال باشند و بهترین نمایش ممکن را ارائه بدهند، برای تیم لیپی یک پیروزی بزرگ قبل از «پیروزی احتمالی اصلی» است.

منبع: **guardian**

فرانسه در آرزوی غلبه بر ایتالیا

به یاد فینال یورو ۲۰۰۰

ترجمه: وصال روحانی

حتی در دقایق بعد از پیروزی ۰-۱ فرانسه در پرتغال در مرحله نیمه‌نهایی جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ و در اوج شادی‌های حاصله سرسخت‌ترین هواداران فرانسوی‌ها نیز از خود می‌پرسیدند که آیا روال احیای آنان ادامه خواهد یافت یا نه و آیا آنها توان چنین کاری را دارند یا خیر؟ فرانسه پس از شروعی بد در این مسابقات از بازی سوم به بعد احیا شد و این روند را با حذف برزیل و پرتغال در مراحل یک چهارم و نیمه‌نهایی قطعی و تثبیت کرد. با این حال همگان می‌پرسند آیا امشب که فینال جام جهانی هجدهم در شهر برلین بین فرانسه و ایتالیا برگزار می‌شود، خروس‌ها می‌توانند همان کار را با تیم آتزوری هم انجام بدهند؟ حقیقت آن است که همان قدر شانس و احتمال ناکامی برای نسل برتر سال‌های اخیر فوتبال فرانسه طی دیدار یکشنبه شب وجود دارد که احتمال توفیق برایشان متصور است، اما چون زیدان می‌خواهد برای همیشه بازنشسته شود و تورام نیز در پایان این مسابقات در سطح ملی دوباره حاشیه‌نشین خواهد شد اهمیت نتیجه دیدار امشب برای آنها و تاثیر برد یا باخت برایشان به حد چشمگیری می‌رسد. احتمال شکست فرانسه در دیدار امشب کم نیست زیرا ایتالیا به قدری بر روی کار خود متمرکز است که حتی در دیدار بسیار دشوار با آلمان در مرحله نیمه‌نهایی به ندرت متوجه حمایت عظیم خیل تماشاگران از تیم میزبان شد. فرانسه برای تکرار نمایش‌های بسیار خوبش در مراحل حذفی کار بسیار دشواری خواهد داشت و با اینکه مهارت‌های این تیم تاکنون برای انجام هر کاری کفایت کرده و حتی باعث حذف برزیل، اسپانیا و پرتغال هم شده است اما برخی بر این باورند که خروس‌ها هر چه توش و توان داشته‌اند ارائه داده‌اند و دیگر چیزی برایشان باقی نمانده است. حقیقت هرچه باشد، فرانسه اگر تصور کند برای شکست دادن ایتالیا نمایشی همانند آنچه در برابر پرتغال و حتی برزیل ارائه کرد کفایت خواهد کرد، اشتباه بزرگی را مرتکب شده است. این تیم برای دیدار امشب به بازی و نمایشی کاملاً متفاوت و فراتر از تمام موارد قبلی و انتظارها نیاز دارد. بازی با پرتغال و ملزومات آن به کلی متفاوت با چیزهایی بود که در مسابقه با برزیل به چشم خورد و امشب ستیز با ایتالیا هم چیزهایی به شدت متفاوت را می‌طلبد. هنوز این بیم وجود دارد که فرانسه به سبب سن بالای برخی مهره‌های کلیدی‌اش به نقطه پایان انرژی‌اش رسیده باشد و نتواند یک بار دیگر و در مهم‌ترین مسابقه فروغ لازم را داشته باشد.

بسیاری از کارشناسان معتقدند بازی زیزو در برابر برزیل در مرحله یک چهارم نهایی یکی از بهترین نمایش‌های عمر او و لااقل یکی از پرتاثیرترین بازی‌های او طی سه چهار سال اخیر بوده است. حرف‌های زیدان پس از آن دیدار نیز شنونده‌ها را به این باور رساند که وی سرانجام از دوران بد حضورش در رئال مادرید طی سه سال اخیر فاصله گرفته و خاطرات آن را از یاد برده است. در هر حال شکی در این واقعیت نیست که کاپیتان تیم ملی فرانسه آن دوران را پایان یافته می‌داند و طی هفته‌های اخیر تمام هم و غم خود را روی این نکته گذاشته است که یک پایان پرشکوه در صحنه فوتبال داشته باشد. او از قبل اعلام کرده بود که در پایان جام جهانی هجدهم کفش‌ها را خواهد آویخت و در نتیجه هر دیداری که طی این جام و به خصوص در مراحل حذفی برگزار کرده، حالت یک بازی واپسین را داشته و این احتمال وجود داشته است که دیدار خداحافظی وی باشد. امروز رئالی‌ها که قراردادشان با زیزو به خاطر تمایل او به خداحافظی یک سال زودتر از موعد منقضی شده است، نمی‌دانند چه بگویند، اما این را می‌دانند که اغلب بازی‌های او در فصل گذشته و حتی یک فصل پیش از آن چنان ناامیدکننده بود که تصور رفتن و بازنشستگی او برخلاف امروز هیچ ناراحتی و افسوسی را موجب نمی‌شد.

■ به یاد فینال یورو ۲۰۰۰

بازی فینال امشب اضافه بر مشخص ساختن واپسین ذرات مهارت و انرژی زیدان این را هم مشخص می‌کند که فرانسه پس از چند جلسه درخشش چه میزان توان و انرژی و ذوق و هوش «ذخیره کرده» برای مهم‌ترین مسابقه سال دارد. بینندگان خواه‌ناخواه به یاد سال ۲۰۰۰ می‌افتند. موقعی که دو تیم در فینال جام ملت‌های اروپای آن سال روبه‌روی هم ایستادند و در مسابقه‌ای فراموش نشدنی فرانسه عقب‌ماندگی ۰-۱ خود در واپسین ثانیه‌های وقت تلف شده با گل ویلتورد به تساوی ۱-۱ بدل کرد و سپس با گل وقت اضافی دیوید ترزگه که براساس قانون آن زمان «گل طلایی» خوانده و محسوب می‌شد به برتری ۱-۲ و جام قهرمانی رسید اگر فرانسوی‌ها می‌خواهند امشب نیز برنده باشند، باید به سبک و سیاق شش سال پیش و مسابقه‌ای که وصف‌اش را آوردیم در بهترین شرایط خود به لحاظ انرژی و توان و سرسختی باشند، زیرا تیم مارچلو لیپی خود در این زمینه‌ها سرآمد و کم‌رقیب است. کافی است به این حقیقت توجه کنیم که سرداران سواحل لاجوردی ۲۴ مسابقه متوالی است که بی‌شکست مانده‌اند. این تیم برخلاف آنچه در فوتبال ایتالیا رایج بوده است، در هر دیدار موقعیت‌های گلزنی قابل توجه و پرشماری را ایجاد می‌کند و خط دفاعی‌اش نیز آنقدر خوب است که در کل شش دیدار قبلی‌اش در این جام فقط یک گل خورده است و آن یک گل را هم کریستین زاکاردو مدافع آتزوری طی تساوی ۱-۱ با آمریکا به اشتباه در دروازه خودی جای داد.

ایتالیا هیچ شباهتی با پرتغال ندارد. وقتی به بازی پرتغالی‌ها نگاه می‌کنید، از خود می‌پرسید که چگونه لوئیس فیلیپه اسکولاری توانست این تیم را تا نیمه‌نهایی و حضور در جمع چهار تیم مرحله پایانی بالا بیاورد. این تیمی است که به رغم تمام جنگاوری‌ها و قابلیت‌های تامین شده توسط «فیل بزرگ» فاقد قوه گلزنی به حد کافی است و خلاء موجود در خط حمله‌اش کاملاً محسوس است. لیلیان تورام در مرکز خط دفاعی فرانسه در برابر پرتغال بسیار خوب کار کرد اما حقیقت آن است که وی طی این بازی اصلاً به خطر نیفتاد وگرنه او همانی است که وقتی چندی پیش یوونتوس می‌خواست بازی برگشت خود با آرسنال در مرحله یک چهارم نهایی جام قهرمانان باشگاه‌های اروپا را انجام بدهد، مربیان یووه او را به کلی کنار گذاشتند. زیرا اطمینانی به وی در تلاقی با مهاجمان سرعتی تیم آرسن ونگر فرانسوی نداشتند.

■ تیمی که تیغ ندارد

تورام که همسن با زیزو است (هر دو ۳۴ ساله‌اند) یکی از نفرات کهنه‌کار در تیم فرانسه است که اگر امشب خودش را با شرایط موجود در زمین و حرکات سریع و بازی تند و تیز برخی حمله‌وران ایتالیا وفق ندهد، هیچ شانسی برای توفیق او و یارانش در فینال جام هجدهم وجود نخواهد داشت. پرتغال تیم فوق‌العاده‌ای است اما به‌رغم تمام تلاش‌های فیل بزرگ به هنگام حمله «تیغ» ندارد. ایتالیا حتی وقتی حمله نمی‌کند، تیغ دارد و همین مسئله تفاوت بزرگی است که بین حریف امشب آتزوری و رقیب چهار شب پیش این تیم وجود دارد و اگر خروس‌ها متوجه این تفاوت نشوند، قطعاً خواهند باخت. مردان ریموند دومنک چون می‌دانستند که پرتغال زهر لازم را به هنگام حمله ندارد، پس از زدن تک گل‌شان بنا را بر حفظ نتیجه و اتلاف وقت گذاشتند ولی ایتالیا چیزی به کلی متفاوت است. حتی وقتی فابین بارتز دروازه‌بان نامدار فرانسه با ارتکاب یک اشتباه بزرگ ضربه آزاد کریستیانو رونالدو را راحت به روی سر لوئیس فیگو انداخت، هم‌باشگاهی سابق زیدان و بازیکن فصل پیش اینتر میلان ساده‌ترین فرصت را به فضای بالای دروازه فرستاد و همان اتفاق سند دیگری در این خصوص بود که پرتغال هرچه باشد و از هر چقدر حسن و قدرت بهره ببرد، برای چنان مرحله‌ای از جام خطرناک نیست. در بازی امشب برلین از این خبرها نخواهد بود و اگر فرانسوی‌ها چنان اشتباهی بکنند، ۴، ۵ بازیکن ایتالیایی حاضرند تا کار را تمام کنند و کیست که نداند توتی، زامبروتا، جیلاردینو و البته تونی در این زمینه تا چه حد آماده و فرصت‌طلب‌اند. سیستم صبر و مدارا برای بخش‌هایی از دیدار امشب کارساز نیست. بنابراین تنها راه برای توفیق فرانسه این است که همان‌طور قوی و محکم و کم‌اشتباه عمل کند که در بازی با برزیل بود و در آن دیدار خروس‌ها واقعاً تیز و آگاه نشان دادند. کسی چه می‌داند شاید هم موقعیت و موهبت شرکت در بازی فینال فرانسوی‌ها را یک بار دیگر و به‌واقع برای آخرین مرتبه به اوج برساند و قادر به حضور در بهترین شرایط خویش کند، اما چه در تئوری و چه در عمل به نظر می‌رسد تیم ملی سواحل لاجوردی برای چنین مسابقه‌ای مهیاتر و برای فتح دیدارهایی از این دست آماده‌تر باشد. حتی وقتی بحث ذخیره‌های دو تیم پیش می‌آید باز هم ایتالیایی‌ها را بهتر و فراتر از فرانسه می‌بینیم، یعنی وقتی قیاس نیمکت‌های دو تیم در دستور کار قرار می‌گیرد، نمی‌توانیم از وضعیت بهتر تیم لیپی در مقام مقایسه با تیم ریموند دومنک غافل بمانیم.

بر این اساس لیپی می‌تواند در موقع لزوم با دو سه تعویض همه چیز را عوض کند و این را در مسابقه سنگین ایتالیا با آلمان در مرحله نیمه‌نهایی نیز به چشم دیدیم. آن هنگام که مربی مونقره‌ای ایتالیا با آوردن جیلاردینو، یاکوئینتا و دل‌پیرو به زمین در اواخر وقت عادی و طی وقت اضافی شلاق حملاتش را بر روی دروازه ژرمن‌ها بیشتر کرد و سرانجام (ولو دیرهنگام) به مقصود رسید.

■ یک بار دیگر

با این حساب فرانسه باید باز آرزو کند که همان مهره‌های میانسال یک بار دیگر بالاتر از سطح سال‌های اخیر خود ظاهر شوند و به شدت بدرخشند و این سناریویی است که هرچند در برابر پرتغال نیازی به آن پیش نیامد، اما برای حذف اسپانیا و برزیل مورد استفاده خروس‌ها قرار گرفت. فرانسه باید امیدوار باشد که لرزش‌های مقطعی و گاه به گاه اریک آبیدال نیز تکرار نشود. مدافع چپ فرانسه چه در رویارویی با فیگو و چه کریستیانو رونالدو (در بازی با پرتغال) چند بار کم آورد، اما یاران اسکولاری فرصت و توان بهره‌گیری از آن را نداشتند. تیری آنری مرد اول خط حمله فرانسه چند بار فینال پیش‌رو را با دیدار نهایی «یورو ۲۰۰۰» قیاس و ابراز امیدواری شدید کرده که نتیجه آن بازی هم تکرار شود، اما خود او می‌داند در تقابل با فابیو کاناوارو که بهترین مدافع وسط جام بوده است، شب آسانی نخواهد داشت و این را نیز می‌داند که حتی مدافعان ایتالیا هم مثل زامبروتا و گروسو گلزن‌اند. فرانسه به واقع مطلع است که برای فتح مهمترین جام فوتبال جهان باید از «فرانسه ۹۸» هم بهتر باشد و از سطح دیدار هفته پیش خود با برزیل هم فراتر رود. آیا از عهده‌اش برمی‌آید؟

منبع: **guardian**

نگاه

مدافعان جام را هدیه می‌دهند

ترس از نیش عقرب

بهرنگ داودی

روزنامه‌های ایتالیایی با خوش‌بینی فراوان به قضیه نگاه می‌کنند. از میان هزاران مطلب و مقاله که تا پیش از شروع فینال امشب در توصیف کارآمدی شاگردان لیپی بیان شده است اشاره به دفاع مستحکم آتزوری در صدر قرار دارد. البته هیچ شکی در این خصوص وجود ندارد که در ارزشیابی دلایل موفقیت ایتالیا سهم دفاع چهار نفره و دو هافبک دفاعی این تیم نمره بسیار بالایی را از آن خود می‌کنند اما اکیپ که از زمان شروع درخشش این تیم موضع کاملاً متفاوتی را در قبال آبی‌ها گرفته است خیلی سریع پاسخ ایتالیایی‌ها را داد. فرانسه تاکنون تنها دو گل دریافت کرده است که نمونه آن بعد از گل دقیقه ۲۸ اسپانیا در یک هشتم نهایی دیده نشده است. در واقع دیوار بلند و عریضی که جلوی فابین بارتز تشکیل شده است پس از دو نمایش مطلوب مقابل برزیل و پرتغال خود را بیشتر آشکار کرد و اکنون در حساس‌ترین مقطع، ریموند دومنک و همه فوتبال‌دوستان فرانسوی امیدوار هستند این دفاع بار دیگر نجات‌بخش فرانسه شود. تلاش پرتغال در نهایت بی‌فایده بود. زیدان که ظاهراً در یک بازی تمرینی پشت توپ ایستاده بود ریکاردو را مغلوب کرد و از آن پس جنگ فرانسوی اسکولاری و شاگردانش در زمین شروع شد. حملات پردامنه این تیم هیچ کدام باعث به هم خوردن خط دفاع فرانسه نشد تا آنها با یک شیوه «سابقاً ایتالیایی» بلیت حضور در برلین را به دست بیاورند. دل بستن به یک گل در عصری که فوتبال بیش از هر زمان دیگر به لحظه‌ها وابسته شده است کیلومترها با منطق فاصله دارد اما گاهی اوقات و بنا به اقتضای شرایط می‌توان از این تاکتیک هم استفاده کرد البته به شرطی که پتانسیل‌های لازم آن وجود داشته باشد. پاتریک ویرا در توصیف آن دقایق می‌گوید: «پرتغال دردسرهای زیادی را درست کرد. مجبور بودیم مدام در طول بازی حرف بزنیم تا انسجام از بین نرود، در لحظاتی فضای خوبی در اختیار هافبک‌های این تیم قرار می‌گرفت که نزدیک بود تسلیم شویم.» نکته جالب توجهی که از سیستم بازی فرانسه به دست می‌آید دفاعی بودن خصوصیات اکثر بازیکنان دومنک است. او تیمش را با آرایش ۱-۳-۲-۴ به زمین می‌فرستد اما حقیقت اینجا است فقط زیدان، ریبری و آنری در بین این اعداد نقش کاملاً هجومی دارند. بقیه عناصر تیم به طرزی کاملاً محسوس دفاعی هستند. از فرانک ماسودا گرفته تا پاتریک ویرا و کلود ماکلله در مرکز خط میانی همگی در جلوی لیلیان تورام که رهبر این تشکیلات محسوب می‌شود بیشتر به انسجام خط دفاعی تیم کمک می‌کنند تا کارهای هجومی. در حقیقت اگر فابین بارتز هم به این جمع اضافه شود فرانسه در حالت طبیعی با هشت بازیکن دفاع می‌کند. تیری آنری در خصوص رمز این موفقیت عقیده دارد: «به سختی گل می‌خوریم و این دستاورد حاصل یک کار کاملاً گروهی است. همه می‌جنگند و فقط کافی است تصمیم بگیریم متفاوت باشیم آن وقت واقعاً تیم متفاوتی خواهیم شد. بعد از زدن گل مثل شیر از این اندوخته دفاع کردیم و همین پرتغال و بازیکنان این تیم را عصبی‌تر کرد چون نفوذ به این دفاع بسیار مشکل است. یک نکته دیگر خونسردی بیش از اندازه بازیکنان است. هیچ وقت حتی در بدترین شرایط تمرکز خود را از دست نمی‌دهیم چون بازیکنان بسیار حرفه‌ای و باتجربه‌ای را در اختیار داریم.» لیلیان تورام که با ۱۲۰ بازی ملی در فرانسه رکورددار است در نبرد چهارشنبه شب مونیخ یک بار دیگر کلاس بالای خود را نشان داد. حضور او در کنار ویلیام گالاس برای فوتبال‌دوستان فرانسوی یادآور زوج موفق و کارکشته لوران بلان و مارسل دسایی در سال ۹۸ هستند. این شراکت در بسیاری مواقع به داد فرانسه رسیده است. ویرا توضیح می‌دهد: «درک متقابل بین گالاس و تورام رفته‌رفته بهتر شده است و خوشبختانه اکنون در آستانه فینال به اوج رسیده است. وقتی می‌بینیم تورام با این سن و سال با چنین کیفیت بالایی دفاع می‌کند همه به هیجان می‌آیند و خیال بقیه راحت می‌شود.» خصوصیات متفاوت این دو و تلفیق آن با هم یک معجون آرامش‌بخش برای فرانسه است. تورام در نبردهای هوایی اکثراً یک برنده است و گالاس یک تکل‌زن حرفه‌ای. سرعت و جنگندگی هم نقطه اشتراکشان محسوب می‌شود. در کناره‌ها هم شرایط بسیار خوب است. ویلی سانیول مقابل فیگو و کریس رونالدو بی‌نقص بود و آبیدال نیز به‌رغم این که در چند صحنه فضای تهاجمی مناسبی را در اختیار حریف گذاشت اما دومنک را تا مرز جنون و عصبانیت پیش نبرد تا همه چیز به خوبی تمام شود. داستان امشب اما، کاملاً متفاوت است. اگر زاکاردو دقت بیشتری به خرج می‌داد بوفون حتی یک‌بار هم برای خارج کردن توپ از دروازه‌اش به سمت قفس توری نمی‌رفت تا ایتالیا در تمام بازی‌ها با clean sheet به رختکن رفته باشد. حتی غیبت احتمالی نستا هم باعث نگرانی لیپی نخواهد شد. نمایش ماتراتزی که بیش از همیشه متوجه حساسیت موضوع شده است او را متقاعد کرده است از ترکیب چهارنفره گروسو، کاناوارو، ماتراتزی و زامبروتا استفاده کند. گذشتن از این دیوار گاهی اوقات سخت و ناممکن به نظر می‌رسد به خصوص اینکه پشت سر آنها بوفون قرار گرفته است. برابر آلمان، ایتالیا آنقدر حرفه‌ای بود که حاضران در وستفالن هیچ شکایتی از مغلوب شدن تیم‌شان نداشتند.